



نوید آمدنِ مصلح آخرالزمان

محمد مهدی رکنی یزدی

«السَّلَامُ عَلَى الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ
يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَيَلْمَّ بِهِ الشُّعْثَ وَ يَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ
قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَيُنْجِزَ بِهِ
وَعَدَ الْمُؤْمِنِينَ»^۱.

درود بر مهدی، آن که خدا به امتها وعده داده که به وسیله او آراء و سخنها را یکی گرداند و پراکندگی مردم را به همگرایی و همبستگی بدل کند. زمین را - بعد از آنکه از ستم و بیداد پر

شده - به وسیله حضرتش از عدل و داد پر کند؛ و به وعده‌ای که [برای برپایی عدالت] به مؤمنان داده بود وفا کند.

به! چه نوید خوشی و شعار امیدبخشی، که پایان انتظار است و آغاز برخورداری از عدالت واقعی.

فرا رسیدن نیمه شعبان هر سال و شادمانی در زادروز امام حئی قائم، برای شیعیان نزدیک شدن به تحقق آرمانها و ثمربخشی کوششهای منتظران است. با ظهور حجة بن الحسن - عَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَهُ - چنان که در بسیاری از روایات اسلامی آمده، جامعه‌ای ساخته می‌شود که در آن نفاق و دروغ، نابرابری و تجاوز به حقوق وجود ندارد، و توحید در همه زمینه‌ها حکومت می‌کند. پس جشن مادر این روز، جشن امید و دلگرمی و پشتکار و سازندگی است، و جهاد و کوشش برای نجات ستم‌کشیدگان تاریخ و مستضعفان، و مبارزه با هر چه پلیدی و زشتی و تجاوز و تعدی است.

هر چند شیعه امروز در اقلیت است، اما به وعده الهی مطمئن و امیدوار است که می‌فرماید:
﴿و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾
(قصص / ۵).

۱ - برگرفته از زیارت نقل شده از سیدبن طاووس، که در مفاتیح الجنان تألیف ثقة المحدثین شیخ عباس قمی، جزء زیارتهای حضرت صاحب الامر آمده است.

وما می‌خواهیم بر کسانی که در روی زمین به زبونی کشیده شده‌اند منت نهیم [و احسان کنیم] ایشان را پیشوایان و وارثان گردانیم.

ابوالفتوح رازی در تفسیر آیه می‌نویسد:

«و ما می‌خواهیم - یعنی خواستیم - که منت نهیم بر آنان که ایشان را مستضعف کردند و ضعیف [نگاه] داشتند در زمین مصر از بنی اسرائیل. وَنَجْعَلُهُمْ أُمَّةً: وایشان را امامانی کنیم که مردم به ایشان اقتدا کنند در خیرات، این قول عبدالله عباس است... وَنَجْعَلُهُمُ الْوَارِثِينَ وایشان را وارث مال فرعون و قوم او کنیم، پس آنکه ایشان را هلاک کرده باشیم. واصحاب ما [علمای شیعه] روایت کردند که آیت در شأن مهدی آمد ﷺ، که خدای او واصحاب او را از پس آنکه ضعیف و مستضعف بوده باشند منت نهد بر ایشان. و مراد به زمین جمله زمین دنیا است وایشان را امام کند در زمین، وایشان را وارث کند، و این قول اولیتر است از آنجا که موافق ظاهر است از چند وجه، یکی: «ارض» به «لام تعریف جنس» بر عموم حمل کردن اولیتر باشد.

دگر لفظ «امام» در حق او حقیقت باشد و در حق بنی اسرائیل مجاز. دگر آنکه «وارث» به او لایقتر است از اینجا که او بازپسین ائمه است و او وارث همه گذشتگان باشد و به دامن قیامت بود دولت او... شیخ طوسی [در تفسیر تبیان ذیل آیه] این دلیل را هم می‌افزاید که: زمان فعل [تُرید] در این عبارت قرآنی مستقبل است^۱، یعنی اراده الهی (در احسان و امام گرداندن و وارث کردن

مستضعفان) در آینده باید تحقق یابد، بنابراین تفسیر علمای شیعه، که تأویل آیه بر حضرت حجت(عج) است... با سیاق آیه سازگارتر می‌باشد.

چندین آیه دیگر قرآن (مانند آیه ۵۵ سوره نور) نیز ارث بردن زمین و حکومت صالحان را در سرانجام تاریخ یادآور می‌شود و روح خوش‌بینی به آینده بشریت را در انسانهای گرونده ایجاد می‌کند، که به رعایت اختصار به نقل آیه‌ای دیگر اکتفا می‌کنیم:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ * إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ﴾ (انبیاء / ۱۰۵-۱۰۶).

و در حقیقت در زبور، پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد^۲. به راستی در این [امور] برای مردم عبادت‌پیشه ابلاغی [حقیقی] است. از امام محمد باقر ﷺ نقل است که فرمود: ابن بندگان شایسته که در آخرالزمان وارث زمین شوند

۱- رجوع کنید به: قرآن کریم، ترجمه و توضیحات بهاء‌الدین خرمشاهی، ذیل صفحه ۳۸۵ (با اندک تصرف)، انتشارات نیلوفر، جامی، تهران، ۱۳۷۴. نیز رجوع شود به: شیخ فضل‌بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تفسیر آیه مذکور.

۲- رجوع کنید به: زبور باب ۳۷، آیه ۲۹، سروده‌های داود یا مزامیر: «صالحان وارث زمین خواهند بود». (به نقل از قرآن مجید، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند، دارالقرآن الکریم، ذیل صفحه ۳۳۱، دی‌ماه ۱۳۷۶).

اصحاب مهدی (عج) هستند.^۱

چنان که ملاحظه می‌شود، نه تنها قرآن مجید که کتابهای آسمانی پیشینیان نیز مژده آمدن مصلح آخر الزمان را داده‌اند، ولی در منابع اصیل و کهن اسلامی و مخصوصاً شیعه به وجود حضرت حجة بن الحسن - عجل الله فرجه - با نام پدر و اجداد، و زمان زاده شدن و نهان گشتن وی (برای حفظ جان)، و اصلاحاتش بعد از ظهور در آخر الزمان تصریح شده است، به صورتی که بر شخصی معین از اولاد حضرت فاطمه (س) و امیر المؤمنین (علیه السلام) و حسین بن علی (علیه السلام) دلالت می‌کند و جای تردید برای محقق باقی نمی‌گذارد.

گفتنی است که در سده چهارم یعنی از سال ۳۲۹ به بعد که غیبت کبری آغاز شد، فرقه‌هایی پیدا شدند و شبهاتی القا کردند، اما دانشمندان زمان شناس و بیدار شیعه مانند محمد بن ابراهیم نعمانی (از اعلام قرن چهارم) صاحب کتاب الغیبه، و ابو جعفر محمد بن علی معروف به ابن بابویه و ملقب به صدوق (م. ۳۸۱) مؤلف کتاب بزرگ کمال الدین و تمام النعمة، و پیش از این دو محمد بن یعقوب کدآینی (م. ۳۲۹) در کتاب الحجة از اصول کافی، و بعد از اینان استاد فقیهان ابو جعفر محمد بن حسن طوسی (م. ۴۶۰) در کتاب الغیبه با بحثهای عقلی و نقلی به اثبات عقیده شیعه اثنی عشریه در مورد وجود و نهان‌زیستی و آثار وجودی حضرت حجت (عج) و پاسخ شبهات پرداختند.

۱- برای تفصیل رک: محمد رضا حکیمی، خورشید مغرب، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، زمستان ۱۳۶۰، ص ۱۴۱-۱۴۲. در این کتاب پرفایده، ده آیه از آیات قرآنی که تأویل آنها - بر طبق روایت مستند - مربوط به ظهور مهدی - عجل الله فرجه - در آخر الزمان است نقل و شرح داده شده است. ص ۱۴۱-۱۵۱.

پیش از آنکه احادیث رسیده در این باره را نقل کنیم، یادآور می‌شویم که معلوم است این حوادث در زمان گذشته - یعنی اواخر سده سوم - روی داده و جنبه تاریخی دارد. پس در تحقیق برای پی بردن به درستی یا نادرستی آنها باید روش علمی (مُتَد) که در تاریخ معمول است به کاربرد، و آن مراجعه به قدیم‌ترین اسناد و کتابهای موثق یا بناها و سنگ‌نوشته‌هاست که به اضافه شواهد اجتماعی و اوضاع سیاسی، بر روی هم پژوهشگر را راهنما به واقعیات تاریخی است. این روش در شناخت اخبار مذهبی و رویدادهای دینی هم تاکنون به وسیله علمای بزرگ اسلامی و فقها به کار رفته، که در آثارشان

روش علمی در تحقیقات تاریخی

پیش از آنکه احادیث رسیده در این باره را نقل کنیم، یادآور می‌شویم که معلوم است این حوادث در زمان گذشته - یعنی اواخر سده سوم - روی داده و جنبه تاریخی دارد. پس در تحقیق برای پی بردن به درستی یا نادرستی آنها باید روش علمی (مُتَد) که در تاریخ معمول است به کاربرد، و آن مراجعه به قدیم‌ترین اسناد و کتابهای موثق یا بناها و سنگ‌نوشته‌هاست که به اضافه شواهد اجتماعی و اوضاع سیاسی، بر روی هم پژوهشگر را راهنما به واقعیات تاریخی است. این روش در شناخت اخبار مذهبی و رویدادهای دینی هم تاکنون به وسیله علمای بزرگ اسلامی و فقها به کار رفته، که در آثارشان

اما نویسنده در این نوشتار که به مناسبت نیمه شعبان ۱۴۲۴ و میلاد مسعود آن امام قائم - عجل الله فرجه - نوشته می‌شود بر آن است تا نخست نمونه‌ای اندک از اخبار بسیاری که از طریق اهل سنت درباره حضرتش رسیده نقل و سپس نتیجه‌گیری کند، چون می‌دانیم آمدن مصلحی در آخرالزمان از خانواده پیامبر اسلام باوری اسلامی است و به شیعه اثنی عشریه اختصاص ندارد؛ هر چند تنها شیعه در بزرگداشت آن می‌کوشد.

امید است دلها روشن و انگیزه‌ها برای خدمت به جامعه شیعه - خاصه مستضعفان - بیشتر گردد و رضایت امام زمان ما حاصل آید.

چند حدیث از رسول اکرم ﷺ درباره حضرت مهدی (عج) از طریق اهل سنت^۱

۱ - «حضرت علی رضی الله عنه از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمودند: المهدیُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ يُصَلِّحُهُ اللهُ فِي أَسِيلَةٍ مَّهْدِيٍّ مِنْ خاندان ماست، خداوند کار قیام او را در یک شب اصلاح می‌کند.»

«حدیث یاد شده را بسیاری از محدثان اهل سنت نقل کرده‌اند، که از باب نمونه برخی را یادآور می‌شود:

احمد بن حنبل (متوفی به سال ۲۴۱)، در مسند (چاپ ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۸۴).

ابن ماجه (م. ۲۷۵) در سنن، (جلد ۲ کتاب الفتن، باب خروج المهدی، ص ۱۳۶۷)».

خوانندگان توجه می‌فرمایند که این دو محدث بزرگ پیش از تولد حضرت و وقوع غیبت می‌زیسته‌اند، و خبر اصلاح امر ظهورش را - در زمانی که فقط خدای تعالی می‌داند - نقل کرده‌اند. راویان دیگر حدیث عبارتند از:

«ابو نَعِيم احمد بن عبدالله اصفهانی (م. ۴۳۰)، در حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، چاپ مصر ۱۳۵۲، ۱۷۷/۳.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (م. ۷۴)، جامع المسانید و السنن، بیروت، ۱۴۱۵، ج ۲۹ / ص ۱۹۳.

جلال الدین سیوطی (م. ۹۱۱)، الحاوی للفتاوی، مصر، ۱۳۷۸، ۱۲۴/۲.

۲ - در این باره که ظهور مهدی - عجل الله فرجه - در آخرالزمان قطعی است تا اصلاحات بنیادی در جامعه بشری بنماید احادیث مروی از طریق شیعه و اهل سنت بسیار است. به نمونه زیر از مقاله مذکور بسنده می‌کنیم:

«امیر مؤمنان علی رضی الله عنه از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: لَوْ كُنَّ يَتَّقِي مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمَ لَبَّعَثَ اللهُ تَعَالَى رَجُلًا مِنْ أَهْلِ

۱ - این احادیث برگزیده است از مقاله «مهدی (عج) در کلام علی رضی الله عنه»، به قلم حجة الاسلام عبدالکریم عبداللهی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه فردوسی مشهد)، پاییز و زمستان ۱۳۷۹ (شماره مسلسل ۱۳۰-۱۳۱). مقاله شامل «چهل حدیث از امیر مؤمنان علی رضی الله عنه در باره مهدی آخرالزمان (عج) از طریق اهل سنت» می‌باشد که شماری از آنها از صفحه ۵۵۴ به بعد نقل شد.

بَيْتِي يَمَلُّهَا عَدْلًا كَمَا مُلِّتَ جَوْرًا.

اگر از عمر روزگار جز یک روز باقی نماند، خداوند متعال مردی را از خاندانم برانگیزد که جهان را پر از داد سازد، همان‌گونه که پر از ستم شده باشد.

روایت یاد شده توسط ابن ابی شیبیه (المُصَنَّف، ۶۷۸/۸، حدیث ۱۹۴)، احمد بن حنبل (مسند، جلد اول از دوره ۶ جلدی، ص ۹۹، ابو داوود، السُّنَنِ، چاپ ۱۳۷۱، ج ۲، کتاب المهدی، ص ۴۲۲)، امام مجد الدین ابوالسعادات مبارک معروف به ابن اثیر (متوفی در ۶۰۶، در جامع الأصول فی احادیث الرسول، ۴۹/۱۱)، ابن کثیر (جامع الأسانید و السُّنَنِ، ۲۹۷/۲)، جلال الدین سیوطی (الحاوی للفتاوی، ۱۲۵/۲) و غیر این محدثان نقل شده است.

۳- درباره ضرورت وجود حجت الهی در زمین در نهج البلاغه آمده:

«اللهم بلی! لا تخلو الأرض من قائم لله بحجّة، إِمَّا ظاهراً مشهوراً وإِمَّا خائفاً مغموراً، لِنَلَّا تَبْطُلَ حُجْجُ اللَّهِ وَبَيِّنَاتُهُ...»^۱

«بارخدا یا آری! زمین تهی نمی‌ماند از کسی که حجت برپا دارنده دین خداست، خواه آشکار و شناخته باشد و یا ترسان و پنهان از دیده‌ها، تا حجت‌ها و نشانه‌های روشن خدا (آثار نبوت) باطل نشود. اینان چندانند و کجایند؟ به خدا سوگند به‌شمار بس اندکند، ولی در پیشگاه خداوند قدر و منزلت بس بزرگ دارند. خداوند حجت‌ها و نشانه‌های روشن خود را به وسیله اینان

نگاه می‌دارد تا به اشخاصی همانند خود بسپارند... اینان خلیفه‌های خدا در زمین ودعوت‌کنندگان مردم به دین او هستند. وه! چه قدر مشتاق دیدار آنانم».

در این سخن حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ، چنان که شارحان نهج البلاغه و دیگران نیز اشاره کرده‌اند، حجت خائف پنهان، همان حجة بن الحسن العسکری عَلَيْهِ السَّلَامُ یازدهمین فرزندش می‌باشد، که از بیم قتل توسط خلیفه عباسی به قدرت الهی از دیده‌ها نماند. نویسنده را در این باب گفتاری است که پس از نقل احادیث خواهد آمد.

۴- درباره فسادی که آخر الزمان را فرا می‌گیرد و ستمهای اسلامی از بین می‌رود، و خداوند برای احیاء اسلام حجت خود را ظاهر می‌کند، علی عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید:

«لَيَخْرُجَنَّ رَجُلٌ مِّنْ وَلَدِي عِنْدَ اقْتِرَابِ السَّاعَةِ حِينَ تَمُوتُ قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ كَمَا تَمُوتُ الْأَبْدَانُ لِيَمَّا لَحِقَهُمْ مِنَ الضَّرِّ وَالشَّدَّةِ وَالْجُوعِ وَالْقَتْلِ وَتَوَاتُرِ الْفِتَنِ وَالْمَلَا حِمِ الْعِظَامِ وَإِمَاتَةِ السُّنَنِ وَإِحْيَاءِ الْبِدْعِ، وَتَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَيُحْيِي اللَّهُ بِالْمَهْدِيِّ... السُّنَنَ الَّتِي قَدْ أُمِيتَتْ وَيَسُرُّ بِعَدْلِهِ وَبِرَكَّتِهِ قُلُوبُ الْمُؤْمِنِينَ

۱- به رعایت اختصار از نقل بقیه سخن امیر مؤمنان صرف نظر کرده به ترجمه اکتفا نمودیم. برای تفصیل رک: شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید (م. ۶۵۵)، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ ۱۳۸۷، ۳۴۷/۱۸، حکمت ۱۴۳؛ شرح نهج البلاغه، محمد عبده (م. ۱۳۲۳)، بیروت، ۳۷/۴؛ نهج البلاغه، تحقیق دکتر صبحی صالح، بیروت، چاپ ۱۳۷۸، ص ۴۹۷.

وَتَتَأَلَّفُ إِلَيْهِ عَصَبٌ مِنَ الْعَجَمِ وَقِبَائِلٌ مِنَ الْعَرَبِ، فَيَبْقَى عَلَى ذَلِكَ سِنِينَ لَيْسَتْ بِالكَثِيرَةِ دُونَ الْعَشْرَةِ ثُمَّ يَمُوتُ».

«قطعاً مردی از فرزندانم در آخرالزمان ظاهر می‌شود، زمانی که دل‌های مؤمنان همچون بدن‌ها می‌میرد به خاطر آنچه به ایشان می‌رسد از: گرفتاری، سختی، گرسنگی، کشتار، آشوب‌های پیاپی، پیش‌آمدهای بزرگ، امحای سنتها، احیای بدعتها، ترک امر به معروف و نهی از منکر. سپس خداوند سنتهای مرده را به وسیله مهدی زنده می‌کند، دل‌های مؤمنان را با عدالت و برکت او شادمان می‌سازد، برگزیدگان عجم و عرب پیرامون او همبستگی پیدا می‌کنند و سالیانی بدین منوال می‌ماند».

این حدیث را - که شبیه آن از طرق دیگر هم روایت شده - علاءالدین علی متقی هندی (م. ۹۷۵) در کنز العمال فی سنن الأفعال والأقوال، چاپ بیروت، ۱۴۰۹، ج ۱۴، ص ۵۹۱ نقل کرده است.

۵- از نشانیهای ظهور که در اخبار آمده است به نمونه‌ای از سخن مولا علی علیه السلام بسنده می‌کنیم:

«إِذَا نَادَى مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ: إِنَّ الْحَقَّ فِي آلِ مُحَمَّدٍ. فَعِنْدَ ذَلِكَ يَظْهَرُ الْمَهْدِيُّ عَلَى أَفْوَاهِ النَّاسِ، وَيَشْرَبُونَ حُبَّهُ، وَلَا يَكُونُ لَهُمْ ذِكْرٌ غَيْرِهِ».

«هرگاه منادی آسمانی بانگ برآورد که حق با آل محمد علیهم السلام است. پس در آن هنگام مهدی بر سر زبانها می‌افتد و مردم لذت محبت او را

می‌چشند، و یادی جز او ندارند».

حدیث را نَعِيم بن حَمَاد در الفتن و الملاجم (نسخه خطی، ص ۱۸۳)، جلال‌الدین سیوطی در الحاوی للفتاوی (۱۴۰/۲) و علاءالدین علی متقی هندی در کنز العمال (۵۸۸/۱۴) نقل کرده‌اند.

۶- یاوران و انصار امام قائم (عج) را اوصاف و کمالاتی است که در کلام امیرالمؤمنین علیه السلام آمده و اینک توصیفی شگرف از آن شگرف‌مردان:

«وَيَحَا لِلطَّلِقَانِ! فَإِنَّ لِلَّهِ فِيهَا كُنُوزاً لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَلَا فِضَّةَ، وَلَكِنْ بِهَا رَجَالٌ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ آخِرَ الزَّمَانِ».

«خوشا به حال طالقان! خداوند را در آنجا گنج‌هایی است نه از طلا و نقره، بلکه مردانی که به حق خداشناسند، و آنان یاران مهدی در آخرالزمان می‌باشند».

حدیث مذکور در کتاب الحاوی للفتاوی (۱۶۱/۲) و کنز العمال (۵۱۹/۱۴) آمده است.

۱- طالقان: شهری است میان قزوین و ابهر. صاحب اسماعیل بن عباد از آنجاست (منتهی الإرب فی لغة العرب، عبدالرحیم صفی‌پور).

طالقان پنجمین ناحیه است از ایالت تهران. از شمال و شرق محدود است به مازندران، از جنوب به ساوجبلاغ و از مغرب به قزوین. ناحیه‌ای کوهستانی است... اغلب قریه‌های آن قدیمی و اشخاص بزرگی منسوب به آن قراء می‌باشند (جغرافیای سیاسی کیهان، ۳۵۴)، به نقل از لغتنامه دهخدا. ظاهر این است که مقصود از طالقان که چنان مردانی در خود پروراندند همین قریه‌های قدیمی و سالم از آفات تمدن جدید است. والله اعلم.

۷- «در کتاب عِقْدُ الدُّرَرِ (ص ۹۴) پس از بیان اخبار مربوط به خروج سفیانی و جنایت‌های گسترده او، از امیر مؤمنان علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: ندای آسمانی بلند می‌شود:

«أَلَا قَدْ جَاءَكُمْ الْعَوْتُ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، قَدْ جَاءَكُمْ الْعَوْتُ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ، قَدْ جَاءَكُمْ الْفَرْجُ وَهُوَ الْمَهْدِيُّ علیه السلام، خَارِجٌ مِنْ مَكَّةَ فَأَجِيبُوهُ... فَيَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَصْحَابَهُ عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرٍ، وَعَلَى عَدَدِ أَصْحَابِ طَالُوتَ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا، كَأَنَّهُمْ لُيُوتُ خَرَجُوا مِنْ غَابَةِ قُلُوبِهِمْ مِثْلُ زُبْرِ الْحَدِيدِ. لَوْ هَمَّوْا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا. الزُّيُّ وَاحِدٌ وَاللِّبَاسُ وَاحِدٌ، كَأَنَّمَا أَبَاهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ.»

«آگاه باشید! ای امت محمد فریادرس آمد، ای امت محمد فریادرس آمد. گشایش فرا رسیده مهدی از مکه ظاهر شد، او را اجابت کنید (آن‌گاه فرمود): یاران مهدی به شماره اصحاب بدر و اصحاب طالوت است؛ ۳۱۳ تن. آنان به سان شیران ژبانی هستند که از بیشه خارج شده باشند. دل‌های آنان مانند قطعه‌های فولاد است که اگر تصمیم به نابودی کوه‌ها بگیرند آن را از جای خود برمی‌کنند. آنان یک شکل^۱ و متحد اللباس هستند که گویی از یک پدر می‌باشند.»

مأخذ حدیث همان است که ذیل حدیث ۶ ذکر شد.

* * *

از هفت حدیث نقل شده از چهل حدیث نبوی، خاصه که از زبان باب مدینه علم نبی -

حضرت علی علیه السلام است و در کتابهای معتبر و قدیمی نقل شده، نکات زیر استنباط می‌شود:

۱- مهدی که در آخر الزمان می‌آید فردی است معلوم و مشخص، از خاندان پیامبر اکرم اسلام صلی الله علیه و آله و فرزند حضرت علی و زهرا علیهم السلام می‌باشد، و مهدویت نوعی باطل است.^۲

۲- ظهور او در آخر الزمان قطعی و حتمی است، ولی زمان ظهور را جز خدای تعالی کسی نمی‌داند، و در حدیث است که «كذب الوقتان»؛ آنان که زمانی برای ظاهر شدن مصلح پنهان تعیین می‌کنند دروغ می‌گویند.^۳

۱- به نظر نویسنده با توجه به متن حدیث (الزُّيُّ واحد)، مقصود یک ریخت داشتن و همانندی پوشاک می‌باشد (مانند لباس نظامیان) نه یک سانی صورت ظاهر و شمایل.

۲- برای ملاحظه بطلان «مهدویت نوعی» بودن مهدی در هر زمان رجوع شود به: السید صدرالدین الصدر، المهدی، مطبوعه عالی طهران، تاریخ المقدمه ۱۳۶۰ق. مؤلف دانشمند که اثرش مستند به منابع اهل سنت و جماعت است و گرانبار از استدلال‌های نقلی و عقلی در اثبات عقاید شیعه اثنی عشریه می‌باشد، تحت عنوان «المهدی المنتظر واحد» بحثی مستوفی کرده، و در ضمن کلام این حجر را در کتابش «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» نقل می‌کند که می‌گوید: «إن المهدی المنتظر واحد لا تعدد فیهِ». سپس ابداع این عقیده را به عاشقان ریاست و خلافت، یا بعضی طوایف صوفیه نسبت می‌دهد. رک: ص ۷۹-۸۵.

۳- برای شرح بیشتر راجع به معین نبودن زمان ظهور و حکمت آن رک: المهدی، ص ۲۰۴-۲۰۶. در این کتاب حضرت رضا علیه السلام به نقل از پدرانشان

←

۳- پیش از ظاهر شدنش جهان را قتل و خون‌ریزی، ظلم و تجاوز به حقوق، گرسنگی و سختی زندگی - به کیفر کردارشان - فرا می‌گیرد. سنتهای اسلامی مرده و بدعتها زنده و فسادهای گوناگون همه‌گیر می‌شود، به طوری که تمام مردم به ستوه آمده آرزوی آمدن نجات‌دهنده‌ای می‌کنند. (حدیث ۴)

۴- هدف مهدی موعود اصلاحات بنیادین و بنای کاخ جدید دین است. اصلاحات هم از جهت اعتقادی و اشاعه باورهای اصیل اسلامی و تعلیمات قرآنی و توحید کلمه است، و هم از بعد اجتماعی و تأمین رفاه زندگی و نشر عدالت و اعطای حقوق پایمال شده مستضعفان و بینوایان. (حدیث ۴ و احادیث متواتر دیگر از طریق فریقین در شرح اهداف اصلاحی آن حضرت).

۵- قبل از آمدن مصلح جهانی، علائمی آسمانی و زمینی پیدا می‌شود، به گونه‌ای که جای تردید در صحت ادعا و دعوتش باقی نمی‌گذارد. بدین جهت - که حجّت تمام است - منکران حضرتش و مخالفان اصلاحاتش به قتل می‌رسند، تا موانع اصلاحات نابود گردد. (حدیث ۵ و ۷)

۶- یاوران خاص او از مشاهیر و اعلام نیستند، بلکه بُعد ایمانی و قدرت روحی آنان بر علمشان فزونی دارد. مردانسی پاک نهاد و مخلص‌اند که در روستاها - دور از مفاسد شهری - زاده و بالیده‌اند. به حق تعالی معرفت

حقیقی دارند. واله و شیفته ولیّ زمان و مصلح دَورانند. نامش را بر زبان دارند و مهرش را در روان. شیرمردانی از بند گسسته، با عزمی راسخ به نصرت آن مصلح می‌پردازند. سیصد و سیزده تن - به‌شمار جنگاوران بدر - همسان و همدل، همکار و همراهند و یک راه را می‌پیمایند: راه یاری مصلح واقعی، حجّة بن الحسن المهدی (عج). (حدیث ۶ و ۷)

۷- از باورهای عمیق و متعالی شیعه که در نهج البلاغه آمده (حدیث ۳) این است که حجت خدا (پیامبر، امام، ولیّ زمان) باید همواره بر زمین باشد، چون واسطه فیض است و «از عرش می‌ستاند، بر فرش می‌رساند».

توضیح کوتاهی درباره واسطه فیض

در جهان که آفرینش و حوادث آن بر پایه اسباب و سببهاست و آفریدگار مسبّب الأسباب، حجّت الهی نخستین و مهمترین واسطه فیض رسانی است. «ولیّ در بطن و متن هستی جای دارد، و او خود سبب همه افاضه‌ها و انعامهاست.

→ حدیثی از رسول اکرم ﷺ نقل می‌کنند که فرمود: مَثَلُهُ كَمَثَلِ السَّاعَةِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْتَةً. (شبهات آمدن او مانند آمدن زمان قیامت است که ناگهان فرامی‌رسد). در حدیث ۱ نیز آمده بود که خداوند امر ظهورش را در شیئی اصلاح می‌کند؛ یعنی یکباره فرمان می‌رسد و ظاهر می‌شود. بنابر این زمان ظاهر شدن امام غایب مشخص نیست، ولی از علائم ظهور نام برده شده است.

هستی ولی سببیت دارد برای هستیهای دیگر»^۱.
به این جهت فقدان در نظام خلقت خلل وارد
می‌کند، که در روایت نیز ذکر شده، و ما به نقل
حدیثی از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام
بسنده می‌کنیم:

«احمد بن عمر گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم:
از امام صادق علیه السلام به ما روایت رسیده است که
زمین بدون امام باقی نمی‌ماند. آیا بدون امام
باقی می‌ماند؟

فرمود: معاذالله! ساعتی هم باقی نخواهد
ماند. اگر بدون امام باشد فرو خواهد رفت»^۲.

از منظری دیگر اجتماع آدمیزادگان بدون
قانون و رفتاری قانونمند روی صلاح و سعادت
نخواهد دید، و بدیهی است قانون شریعت - که
معارف الهی و مقررات عملی است - تنها به
وسیله نبی از مصدر وحی اخذ و به آدمیان ابلاغ
می‌شود. پس، از این بُعد هم حجت خدا (پیامبر
و بعد از او امام) باید همواره در زمین باشد، تا
(به تعبیر امیر المؤمنین علیه السلام) علم دین و بینات
الهی باطل و نابود نشود، چون حجت کسی است
که به او بر درستی دعوی استدلال کنند و در
صورت نبودش احتجاج خدای حکیم بر مردم
تمام نیست. و اینک مستند ما از روایات:

«حسین بن زیاد گوید: از امام صادق علیه السلام
شنیدم که می‌فرمود: زمین از آنکه در آن عالمی
باشد خالی نیست. زمین را هیچ چیز جز او به
صلاح نمی‌آورد و مردم را جز او اصلاح
نمی‌کند».

«ابو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند
که فرمود: خدای تعالی زمین را بدون عالم وانهد
و اگر چنین نبود حق از باطل شناخته نمی‌شد»^۳.
نتیجه بحث که متکی به احادیث معتبر است
این شد که حجت الهی (پیامبر باشد یا خلیفه او)
هم واسطه فیض تکوینی است و هم واسطه
فیض تشریحی، و هر دو ضرورت و وجوب
وجودش را می‌رساند. از دیگر سو تاریخ عصر
حضرت امام حسن عسکری علیه السلام آشکارا نشان
می‌دهد که ظاهر شدن حجة بن الحسن (عج)
همان بود و به قتل رساندنش همان^۴.

۱ - خورشید مغرب، ص ۲۲۴. برای ملاحظه تمام این
بحث دقیق رک: ص ۲۲۲-۲۲۹.

۲ - شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه القمی، کمال
الدین و تمام النعمه، ترجمه منصور پهلوان، سازمان
چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰، ۳۸۵/۱، ح ۵.

۳ - همان، ص ۳۸۶، ح ۷؛ ص ۳۸۸، ح ۱۲. ناگفته نماند
در بسیاری احادیث از امام معصوم به «عالم» تعبیر
شده، زیرا صفت برجسته و مشخصه حجت حق
تعالی نخست علم جامع و شامل اوست که منبع
الهی دارد، بعد عصمت و استجاب دعا.

۴ - برای اطلاع بیشتر و توجیه تاریخی غیبت حضرت
مهدی (عج) باید اوضاع سیاسی و اختناق شدید آن
عصر را در نظر آوریم که خلفای سفاک عباسی بر
طبق اخبار فراوانی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله
و حضرت علی علیه السلام و دیگر امامان رسیده بود -
واندکی از آنها نقل شد - می‌دانستند مصلح موعود
در آخر الزمان از این خاندان ظهور خواهد کرد
و بساط حکومت ظالمانه آنان را برخواهد چید. از
این رو امام دهم و یازدهم را از زادگاهشان مدینه
ناخواسته تبعید کردند، و در سامرا در محلی که

بنابر این واقعیتهاست که می‌بینیم برای ادامهٔ حیاتش - که حیات ظاهری و معنوی انسان وابسته به آن است - راهی جز غیبت و پنهان شدن از نظرها نبوده است، و دوازدهمین حجت خدا به امر خدا برای مصونیت از اعدا غایب می‌شود. اما این غیبت عدم ظهور است نه عدم حضور، که در خبر است آن امام منتظر در اماکن متبرکه و مراسم حج شرکت می‌کند و مردم را می‌بیند، اما مردم او را نمی‌بینند یا می‌بینند و نمی‌شناسند!^۱

بهره‌گیری از امام غایب

البته فایده بردن از امام غایب چون امام حاضر نیست (و این کیفری است در برابر ظلم و جنایتی که بر آنان شد)، ولی چنان نیست که از آن پنهان مهربان و امام نگران باز هم نتوان استفاده کرد. آری بسیاری از شیعیان پاکدل و مخلص موقن که از حضرتش بهره‌های معنوی و علمی برده‌اند، یعنی همان چیزی که از امام حاضر باید انتظار داشت. در روایات، غیبت حضرت مهدی (عج) به پنهان شدن خورشید در زیر ابر تشبیه شده، یعنی زمانی که آسمان ابری است با آنکه جهان از نور مستقیم آفتاب استفاده نمی‌کند و کاملاً روشن نیست، در عین حال روز از شب متمایز می‌شود، و این چنین است شباهت بهره‌وری جهان و شیعیان از حجت غایب قائم^۲ (عج).

علاوه بر این خدای مهربان به طریقی دیگر تا حدی این کاستی را جبران کرده: نخست ارجاع شیعه به علمای عامل و فقهای عادل آگاه به اوضاع جهان، تا در «حوادث واقعه» یعنی

رویدادهای تازه فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و عبادی، پاسخگوی آنان باشند، و بر اساس مدارک شرعی با اجتهاد علمی، تکلیف آنان را معین کنند. و ظاهراً این گونه استفاده از امام پنهان بی‌شبهت به استفاده از خورشید پشت ابر نیست.

دوم: باز کردن راه دعا و توجه به خدا و توسل به حجت او برای حل بسیاری از مشکلات مادی و معنوی، جسمی و روحی، و نیز دعا برای تعجیل در ظهورش.

ما نیز از پروردگار متعال عزت اسلام و مسلمین و حفظ کشورهای اسلامی را از شر دشمنان می‌طلبیم و تعجیل ظهور پُر برکتش را آرزو مندیم. ①

→ لشکرگاه سلطان (مُعسَکَر) است تحت مراقبت شدید نگاه داشتند، به طوری که حضرت امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام به وسیله سفیر و نمایندگانی با شیعیان در ارتباط بودند، و بخصوص منزل امام حسن علیه السلام زیر نظر جاسوسان و بازرسان دولتی بود. (رک: عباس اقبال آشتیانی، خاندان نوبختی، کتابخانه طهوری، چاپ دوم، ص ۱۰۷) و برای آگاهی بیشتر از تاریخ تحلیلی آن زمان رک: دکتر جاسم حسین، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۷؛ محمد الصدر تاریخ الغیبة الصغری، مکتبة الرسول الأعظم، ۱۳۹۲ق.

۱- رک: ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی، کتاب الغیبة، مکتبة نینوی الحدیثه، قدّم له الشیخ آغا بزرگ الطهرانی، تاریخ المقدمه ۱۳۸۵ق. فصل درباره نام و داستان کسانی که حضرت را دیده و شناخته‌اند یا بعد شناخته‌اند، ص ۱۵۲-۱۷۰.

۲- رک: المهدی، کیف یُنتَقَع بالإمام الغائب، ص ۱۷۶-۱۷۹.